

ذن گیتار بر پایه‌ی فلسفه‌ی ذن قرار گرفته است.  
در ساده‌ترین بیان، ذن، به‌کارگرفتن عقل سلیم است نسبت به تمام کائنات.  
هدف آن است که تن، روان و روح همزمان با هم تعلیم داده شوند.

禪

ذِن

و کمال در نوازندگی



فیلیپ تُشی سودو

ترج  
6  
پتھووت  
مرکز موسیقی بھاون شیراز

فَنِّ و کَمَالِ دَر نَوَارِ نَدَکِ



# ذکر

و کمال در نواز زندگی



فیلیپ تشی سودو

مترجم: آرش آیتی

مکتوب  
MAKTUB.CLUB  
مرکز پخش ۲۶۴۱۰۲۵۰



نشر جیکا



معرفی پنج مرحله‌ی اصلی در راه استادی موسیقی!  
چطور نغمه‌ی خودمان را بنوازیم؟  
دوازده خطر در راه استادی موسیقی چیست؟  
دوازده مرکز توجه کجا باید واقع شوند؟  
چطور در بداهه‌نوازی استاد شویم؟  
چطور آهنگ‌ها را مؤثر بنوازیم؟

## مدرسه

به مدرسه‌ی ذن گیتار خوش آمدید! لطفاً در را پشت سرتان نبندید! نام من فیلیپ تشی سودو است. مدرسه‌ی من برای کسانی است که به موسیقی می‌پردازند. ناراحت نشوید اگر نوازنده نیستید! برای پذیرفته شدن در این مدرسه، کافی است مشتاق تلفیق صدا باشید.

هنوز خردسال بودم که نواختن گیتار را در ژاپن - سرزمین پدری‌ام - آغاز کردم و تا زادگاهم امریکا، دنبال گرفتم. سال‌های متمادی نزد مریبان امریکایی و ژاپنی تحصیل کردم. سرانجام پرورده‌ی دو فرهنگ شدم و فهمیدم راهی به فلسفه‌ی یگانه‌ی زندگی، با وحدت دادن شرق و غرب وجود دارد.

آن راه، ذن گیتارنوازی است. ذن گیتار چیزی نیست جز بازنواختن نغمه‌ای که به اجرای آن، هریک از ما حیات یافتیم. آهنگی که در نوازشش، هریک از ما موجودیت انسانی گرفتیم. هرکس قادر است آن را بازنوازد. موسیقی چیزی است منتظر

تا در راه رویش بگشایند، و این مدرسه چیزی است که کلید را در دست شما می‌گذارد.

می‌خواهم شما را در آموخته‌هایم شریک کنم. شاید این نیت، راهگشا باشد تا عزم شما جزم شود که برای جهان نغمه‌ای نو بنوازید.

همان‌طور که از نامش برمی‌آید، «ذن گیتار» بر پایه‌ی فلسفه‌ی ذن قرار گرفته است. در ساده‌ترین بیان، ذن، به کار گرفتن عقل سلیم است نسبت به تمام کائنات. گروهی از مردم از راه مراقبه‌ی ذهن (مدیتیشن) به ذن راه می‌یابند،

# 禪

Дзен

دیگران از طریق ورزش‌های رزمی و کسانی با تیراندازی یا هنر گل‌کاری. این طریقت‌ها، همه راهی است به یک خرد واحد. طریقت ما به سوی ذن، راه موسیقی خواهد بود.

کلاس‌هایمان را «دُذئیِ ذن گیتار» نامیده‌ام، چرا که این کلاس‌ها محل کار و تعمق است. «دُذئی» از زبان ژاپنی، کلام به کلام، برابر «محل طریقت» ترجمه می‌شود، خاستگاه طریقت زندگی و مرگ که هادی طبیعت و دستگاه‌هاست. این طریقت را با دُذئی‌هایمان آغاز می‌کنیم. یک دُذئیِ خوب از معبد، مدرسه و سالن تمرینات

# 道場

Додзё

تشکیل می‌شود. هدف آن است که تن، روان و روح همزمان با

هم تعلیم داده شوند. دُدُزئی را می‌توانید هر جا بخواهید، برپا کنید. همچون مؤمنی حقیقی که برای زهد و نیایش محتاج جا و مکان نیست، هنرآموز موسیقی هم برای ذنِ گیتار، نیازمند محل خاص نیست. اتاق خواب، زیرزمین، گاراژ، زیرپله، کنج اتاق، همه انتخاب‌های مناسبی است. اصل مطلب در دُدُزئی، نیت درونی شماست.

رویکرد من به گیتار، از فرهنگ شرقی ذن ریشه گرفته است: از هنر رزم کاراته و آی‌کی‌دو، از خوش‌نویسی و شمشیربازی سامورایی و از آداب چای ژاپنی. همچون سنت این هنرهای بزرگ، تصور می‌کنم آموزش نواختن گیتار نیز با هماهنگی ساختن تن، روان و روح بی‌ارتباط نیست. برای نواختن از صمیم قلب، ناگزیریم تمام ویژگی‌های فردی و نیروهایمان را برای عمل، به اتحاد برسانیم.

همین که چنان سطحی از اتحاد و هماهنگی درونی را فتح کردید، دانش این فتح، در تمام زندگی‌تان گسترده می‌شود. به بیان دیگر، تمام آنچه در این مدرسه فرا می‌گیرید، بعدها در شغل، تحصیل، ورزش، روابط عمومی و زندگی خانوادگی‌تان به کار می‌آید و در روش تعمق و گونه‌ی نگرش و احساس و نحوه‌ی شنوایی‌تان، در هر قدم، تأثیر می‌کند. خلاصه‌ی مطلب، باید گفت ذنِ گیتار، همان طریقت زندگی است.

این مدرسه برای مبتدیان یا پیشرفتگان، صرف‌نظر از مقدار تجربه و سنشان مؤثر واقع می‌شود. هر کس خواهان آموختن در

این مدرسه باشد، مستقل از درجه‌ی استعدادش، کار را از یک نقطه شروع می‌کند: بستن کمر بند سفید. همچنان که در هنرهای رزمی مرسوم است، کسی که در یک رشته از این ورزش‌ها - مثلاً کاراته - کمر بند سیاه دارد، اگر بخواهد یک رشته‌ی دیگر را - برفرض، جودو - بیاموزد، باید کار را از بستن کمر بند سفید آغاز کند. ما از این قاعده تبعیت می‌کنیم. بنابراین در شروع، از اینکه چه مدتی است بر گیتار نواخته‌اید یا نزد چه استادانی تعلیم گرفته‌اید، صرف نظر می‌کنیم.

کمر بند سفید به معنی آن نیست که شما تازه کارید و نیز نباید از بستن آن شرمگین باشید. در واقع امتیاز تازه کاران در مقابل آن‌ها که از مدرسه‌ای دیگر آمده‌اند، در این است که نیاز ندارند ذهن خود را از روش‌هایی که قبلاً یاد گرفته‌اند، ترک عادت دهند. کمر بند سفید، تنها نمایانگر آن است که شما مصممید تا طریقتِ ذنِ گیتار را پیش بگیرید.

باید گفت ذنِ گیتار مثل یک برنامه‌ی آموزشی معمولی نیست. تفاوت آن از این بابت است که از هنرآموز می‌خواهد در تصمیم‌گیری‌ها کاملاً مستقل عمل کند. همچنین در این مدرسه بحثی از آکوردها، روش‌های کوک کردن گیتار یا تئوری موسیقی نیست. اینجا درسی درباره‌ی نت خوانی یا نحوه‌ی اجرای بلوز و غیره نخواهید یافت. این‌ها همه اطلاعاتی است که می‌توانید از بسیاری منابع دریافت کنید، مثلاً از جمله‌ها و کتاب‌ها، در مدارس، از دوستان، از نوارهای



ویدئویی و اینترنت. دنیا غرق اطلاعات است. هر متعلمی که به قدر کافی خواهان باشد، می‌داند از کجا باید اطلاعات کسب کند.

اطلاعات به تنهایی به شما نمی‌آموزد چگونه نغمه‌ی خودتان را بنوازید. هدف این مدرسه ارائه‌ی آن اطلاعات نیست، کسب خردمندی است. هدف، خودآموزی و خودآزمایی است. تنها از راه تجربه‌ی احساسات شخصی‌مان، به‌واقع در تحصیل خردمندی قادر می‌شویم. ذن گیتار را تنها از راه مطالعه نمی‌توانیم بیاموزیم. هیچ کتابی دوچرخه راندن یا شنا را تمرین نمی‌دهد. دقیقاً به همین دلیل، تنها راه کسب توانایی، برای آنکه نغمه‌ی خودتان را بنوازید، تجربه‌ی مستقیم با اندام شماست. ذن می‌گوید: «طریقت را نمی‌توان آموخت، بر آن تنها می‌توان حرکت کرد.» این گفته برای ذن گیتار هم صادق است.

先生

Сэнсэй

نقش من، تنها می‌تواند راهنمایی شما باشد. ایسن را مانند یک «سن سی»<sup>۱</sup>ی ژاپنی انجام خواهم داد، نه به عنوان یک «معلم» با روش معمول، بلکه تنها به عنوان «کسی که پیش‌تر راه را پیموده است.»<sup>۱</sup> ادعا نمی‌کنم پاسخ هرچیز را می‌دانم. خوشنود می‌شوم هرچه را می‌دانم، با هرکسی که خواهان پیمودن این طریقت باشد، قسمت کنم. اگر برای شما انگیزه‌ساز واقع شوم و شما به دنبال آن در طریقت

۱. معادل لغوی «پیش‌کسوت»

ویژه‌ی خود قدم بگذارید، می‌توان گفت دُذئی‌ی ما کار خودش را کرده است.

# 雲水

Унсуй

کسی که با ما به تمرین می‌پردازد، برای من در حکم یک شاگرد نیست، یک «اون سوی» محسوب می‌شود. این واژه‌ی ژاپنی معادل «راهب سالک» جویای حقیقت است. ترجمه‌ی کلام به کلام آن چیزی مثل «ابر و آب» می‌شود. «اون سوی» شخصی است که روح ذن گیتار را این‌گونه تجلی می‌دهد: در حالتی روان، پروازکنان و همزمان دارای شکل و بدون شکل. اگر این را فرا بگیرید، همیشه در مسیر ذن گیتار قرار خواهید داشت.

هنرآموزان تازه کار اغلب می‌پرسند: «چند وقته می‌توان ذن گیتار را آموخت؟» در پاسخ می‌گویم: «در مدتی بسیار کوتاه، فقط به اندازه‌ی طول عمرتان!». گفتمی است در یک سال، مهارت نواختن شما ممکن است چندان ترقی کند که دوستانتان را به شگفتی آورید. پس از دو سال، روی سن می‌روید و در سال سوم، یک حرفه‌ای خواهید بود. طریقت ذن گیتار هر روز، هر دقیقه و هر ثانیه و تا بی‌نهایت مطالعه می‌شود، میان‌بری نیست.

نوآموزان همچنین معمولاً می‌پرسند: «در چه مدت زمانی به کمر بند سیاه می‌رسیم؟» پاسخ می‌دهم: «تا زمانی که این پرسش برای شما مطرح باشد، هرگز به کمر بند سیاه نمی‌رسید.» وابستگی به هدفی محدود، تمرکز را به باد می‌دهد و به محلی

می برد که جای آن نیست. تنها راه حرکت در طریقتِ ذنِ گیتار، آن است که همه‌ی سرمایه را همین جا بگذاریم، در همین قدم، درست در زمان حال.

آری، در مدرسه‌های دیگر، شاگرد از یک کمر بند به دیگری ترقی می‌کند، لیکن در ذنِ گیتار وضع به نحو دیگری است. اینجا همه همیشه یک کمر بند دریافت می‌کنند: کمر بند سفید! آن کس که در غم اتلاف وقت و تلاشش نیست، یک روز پی می‌برد که کمر بند سفیدش دیگر آن قدر ساییده و لکه‌دار شده، که عملاً به کمر بند سیاه مبدل شده است! چنین کسانی آن روز به کمر بند سیاه می‌رسند.

آری، تنها در ذنِ گیتار است که کمر بند سیاه هدف نیست و طریقت به کسب آن ختم نمی‌شود. در مدارس دیگر، کمر بند سیاه نشانگر نیل به مرتبه‌ای از کمال است، اما در ذنِ گیتار، این کمر بند، فقط نشانگر نقطه عطفی در مسیر است. من عمیقاً به کسانی که تا کمر بند سیاه رشد کرده‌اند، احترام می‌گذارم.

می‌دانم این از پارسایی و بزرگی می‌گوید. طریقتِ راستینِ ذنِ گیتار از دارندگان کمر بند سیاه طلب می‌کند که نیروی دوبرابر بگیرند و آموختن را دنبال کنند تا آن زمان که کمر بندشان مستعمل شود و رنگ بیازد و مجدداً به شال سفید تبدیل شود. تنها در عبور از دایره‌ی کامل - از سفید به سیاه و از سیاه به سفید - درک عمیق طریقت حاصل می‌شود.

دوره‌ی آموزش را به پنج خان تقسیم می‌کنم که هر کدام حرکتی بر طریقتِ ذنِ گیتار است. خان نخست - کمر بند سفید -

کوک کردن نیت در شروع مسیر است. هنرجو باید این کوک را در همه‌ی خان‌ها حفظ کند. این وضعیت، بصیرت نوآموز نامیده می‌شود.

خان دوم - از کمر بند سفید به سیاه - وقف فرا گرفتن تمرین‌ها و انضباطی خاص می‌شود که برای حرکت در طریقت ضروری است. این‌ها آیین کار است و مانند بصیرت نوآموز باید در تمام مراتب رشد حفظ شود. در همین خان است که به هنرجو نسبت به قدم‌های اشتباه معمول، هشدار می‌دهم، که گاه حتی ساعی‌ترین طریقت‌سپاران را از راه بازمی‌دارد.

خان سوم - کمر بند سیاه - شاخص‌های کمال و مسئولیت‌پذیری را تعریف می‌کند. در اینجا به دیدگاه‌ها، احساس‌ها و رابطه‌های مربوط به کمر بند سیاه می‌پردازیم. این، مرتبه‌ای است که تن، روان و روح برای یکی شدن، درهم آمیزی را آغاز می‌گیرند.

خان چهارم - از شال سیاه به سفید - وقف تحقیق در راه‌بندهایی می‌شود که در پی نیل به کمال فنی پیش می‌آید و مانع درک عمیق طریقت می‌شود.

خان پنجم - کمر بند سفید - راه‌گشای طریقت راستین‌ذنی گیتار است.

از هنرآموزان تقاضا می‌کنم در این پنج خان هرچه بیش‌تر تعمق کنند. شاید در جهان اصوات مبتدی باشید، لیکن در زندگی مبتدی نیستید. احتمالاً تاکنون در رشته‌ی دیگری به کمر بند سیاه رسیده‌اید. شاید نجار، حقوق‌دان، آشپز،



برای سرگرفتن کار هرگز دیر نیست. درِ مدرسه‌ی ما همیشه باز است.

از کسانی که قصد دارند ادامه بدهند، تقاضا می‌کنم کمربند سفید را ببندند. شما نخستین گامِ طریقت را برداشته‌اید.

